

## عدالت در انگلستان

(۴)

### خلاصه سندرجات

تعدد و پیچیدگی مؤسسات اجتماعی ایجاب میکند که در هر زمینه از فعالیت‌های اجتماعی مقررات خاصی وضع گردد. برای تضمین اجرای این مقررات لازم است که در هر قسمت از دستگاه قوه مجریه دادگاههای اختصاصی تأسیس شود که در امور قضائی و حقوقی افرادی که با دستگاههای دولتی سروکار دارند، اتخاذ رأی نماید و بدینوسیله از تجاوز دستگاههای قوه مجریه به حقوق افراد جلوگیری کند.

اهم دادگاههای اختصاصی دستگاه قضائی انگلستان، که در این مقاله از آنها نام برده شده، عبارتند از: دادگاههای اختصاصی حمل و نقل - کمیسیون راه‌آهن و کانال‌ها - دادگاههای اختصاصی تعزله راه‌آهن - دادگاههای دایوری حمل و نقل و دادگاههای حمل و نقل.

در زمینه امور صنعتی و کارگری دادگاههای اختصاصی صنعتی با دادگاههای کارگری - کمیسیون های دایوری پیمان‌چگري.

در مورد مالیاتها کمیسیون های مالیاتی و دادگاههای اختصاصی مربوط به رسیدگی به اختلالات مالیاتی در خصوص خانه و مسکن - دادگاههای اختصاصی تعدیل مال الاجاره ها.

راجع به مقررات تأمین اجتماعی و حفظ حقوق افراد دادگاههای اختصاصی مربوط به بیمه ملی را باید نام برد که بدعاوی استفاده کنندگان از بیمه بیماری، بیمه بیکاری، بیمه زایمان بیمه بیوه‌زنان و مقرری نگهداری افراد، حقوق بازنشستگی و بیمه عمر رسیدگی می‌کند، قانون بیمه اجتماعی و سوانح ناشی از کار در مورد حفظ حقوق افراد، در امور سرویس بهداشتی و طبابت ملی، دادگاه اختصاص سرویس بهداشت ملی موجود است، که هیئت اجرائیه پزشکان و دندانپزشکان در موقع رسیدگی نمایند خود را با این دادگاهها می‌فرستند، و بالاخره دادگاههای رسیدگی به حقوق بازنشستگی در تأمین حقوق اجتماعی افراد و جلوگیری از ایجاد اختلاف سطح بین طبقات، خدمات شایسته‌ای انجام می‌دهند.

برای حفظ حقوق کشاورزان و حمایت آنها در مقابل مشکلات کشاورزی دادگاههای اختصاصی کشاورزی وجود دارد، که بدعاوی کشاورزان و اختلافات آنها با مقامات مسئول، و راجع به حقوقی که قانون برای آنها قائل شده، رسیدگی می‌کنند. دادگاههای اختصاصی

تعیین بهاء اراضی خریداری شده یکی دیگر از این داد گاههاست که هنگام فروش اجباری املاک ، اختلافات را در مورد تعیین بهاء املاک بادرستگاه مربوط ، حل و فصل میکند .

وبالاخره یکسلسله داد گاههای اختصاصی وجود دارد که میتوان آنها را از بعضی جهات جزء داد گاههای اختصاصی نام برد . از جمله داد گاههای انتظامی و کلاه ، و داد گاههای انتظامی مهندسی و طراحان ساختمان و داد گاههای انتظامی پرستاران و داروسازان و بیطاران . آنچه تقریباً در تمام این داد گاهها مشترک است این است که : اولاً در رأس آنها همیشه یک نفر قاضی و یا وکیل دادگستری که دارای اطلاع قضائی ، با سابقه ۷ سال شغل قضائی یا وکالت است ، انجام وظیفه می کند و ثانیاً تصمیم این داد گاهها قطعی نبوده و طرفین می توانند به داد گاههای عمومی شهرستان و یا استان تقاضای رسیدگی استینافی از آن احکام نمایند .

### پیشنهادهات

سؤسات مختلف دستگاههای مجریه ، اکثراً حین انجام وظایف خود ، اقدام به اخذ تصمیمات قضائی مینمایند که با حقوق مالی مردم سروکار دارد بدون آنکه افراد حق مراجعه به داد گاه مخصوصی داشته باشند . بخصوص تصمیمات مقامات وزارت دارائی و گمرک مستقیماً با حقوق مالی افراد تماس داشته و هر گونه تصمیمی در مورد این حقوق تصمیم قضائی محسوب بوده ، که صرفاً در صلاحیت و شأن مقامات قضائی است نه قوه مجریه ، و اصولاً اتخاذ بعضی تصمیمات قضائی ، توسط رؤسا و متصدیان قوه مجریه ، دخالت در قوه قضائی است لذا پیشنهاد میشود که بموازات قسمتهای مختلف ادارات قوه مجریه داد گاههای اختصاصی در آن قسمت تأسیس گردد ، که تحت نظر قاضی دادگستری تشکیل و اداره شوند با این شرط که آراء آنها قابل شکایت استینافی در داد گاههای شهرستان و یا استان باشند .

### داد گاههای اختصاصی حمل و نقل

فعالیت‌های ناشی از حمل و نقل بوسیله راه آهن و کانال‌های آبی و همچنین ایجاد راه‌ها، موجب گردیدند که دستگاه‌های اداری و قضائی، برای کنترل و نظم دادن باین فعالیت‌ها، ایجاد گردند.

قرن نوزدهم، تدریجاً کشور را بسوی صنعت سوق داد، اساسی‌ترین حوائج زائیده صنعت، ایجاد راه‌ها و شوارع بودند که با نزدیک کردن شهرها و دهات فاصله زمانی بین آنها را از بین برده، زمینهای زراعتی را به شهرها و کارخانه‌ها تبدیل ساختند. نتیجه آن شد که کشاورزان به شهر روی آوردند و اجتماع کند رو و عقب مانده کشاورزی را به گروه صنعتی فعال و پیش رو تبدیل نمودند، صنعت نیاز بمواد خام و نیروی انسانی داشت که تهیه آنها بدون راه و وسائل حمل و نقل امکان پذیر نبود، عرضه کردن محصولات صنعتی به بازارها نیز بدون وسائل حمل و نقل و راه‌های خوب و سریع غیر ممکن می‌نمود. ایجاد وسائل حمل و نقل سریع و ساختن راه‌ها اولین طلیعه پیشرفت اجتماعی و پاسخی بودند که بحوائج صنعتی کشور داده‌میشد، انهایه در آن روزها مسئله ملی کردن مؤسسات اجتماعی هنوز مطرح نبود، مقتدرینی که متکی بموامل نفوذ کشور بودند، واکثراً نماینده تجارتنی آنها بشمار میرفتند، امتیاز این مؤسسات را بوسائلی از مقامات عالییه بدست می‌آوردند، ساختن راه‌ها و ایجاد سرویس‌های انحصار حمل و نقل و یا اداره امور راه آهن را، از راه عقد قرارداد، منحصر بخود و همدستان خود میکردند (اغلب نمایندگان مجالس و لردها و صاحب نفوذان بعنوان شرکت و یا سهام دار در پشت پرده نقش اساسی خود را بموقع ایفاء مینمودند و این مسئله‌ای که اکنون هم نسبت به امتیازات خارجی و کمپانی‌های مهم و تراست‌های عالم ادامه دارد علل اساسی سیاست جهان را آشکار میسازد و البته صلح جهانی بدون تعیین تکلیف اساسی نسبت باین مسائل امکان پذیر نیست. سرمایه‌دارانی که عهده‌دار اداره این قبیل مؤسسات بودند اغلب به ثروت سرشاری که از این راه بدست می‌آوردند اکتفا نمی‌کردند، از یک طرف سعی داشتند از امکانات و وسائلی که بایستی در اختیار استفاده کنندگان از مورد امتیاز گذاشته شود بکاهند و از طرف دیگر قیمت کرایه و بهاء پرداختی از طرف استفاده کننده را بالا ببرند، بعلاوه تا آنجا که می‌توانستند از پرداخت حقوق دولتی‌شانه خالی کنند. این حرص و ولع‌ها، برای جمع ثروت، چشم دنیا پرست و مال دوست آنها را پر نمی‌کرد، ناچار بتمام وسائل ثقلب که در اختیار داشتند، حتی تبعیض نسبت بمشتریان خود، ستوسل میشدند.

این سوء استفاده‌های بیحد و حصر و تجاوزات بحقوق دیگران و نیز شانه خالی کردن از انجام وظیفه، تبعیض و گران کردن کرایه هرج و مرجی باری آورد که دخالت یک کنترل قضائی را ایجاب مینمود، تا حدودی برای تعدیات صاحبان قدرت تعیین کند و آنها را ملزم سازد که وسائل و امکانات لازم را در اختیار استفاده کنندگان بگذارند و بالا بردن قیمت و بهاء استفاده از این وسائل را مشروط بشروطی نموده، صاحبان کمپانی را از تبعیض نسبت به افراد بر حذر دارد و طبق شرایط و مقرراتی در انجام وظایف خود بکوشند. یک چنین دستگاه نیمه قضائی در سال ۱۸۷۳ بنام کمیسیون راه آهن و کانال‌ها تشکیل گردید.

### کمیسیون راه آهن و کانال (۱)

این کمیسیون شامل دو نفر که یکی از آنها بایستی در امور راه آهن مطلع و متبحر باشد با توصیه اداره امور بازرگانی (۲) منصوب میگردد و دیگری یک قاضی دادگاههای بزرگ بدایت (دادگاههای شهرستان) که از طرف قاضی القضاة معرفی میشود. رسیدگی مسائل مربوط بقانون بعهده قاضی است که ریاست کمیسیون را دارا بوده و تصمیم کمیسیون از نظر امکان عدم تشخیص مقررات قانونی (۳) قابل رسیدگی استینافی در دادگاه استیناف میباشد. وظایف این کمیسیون بعداً به دادگاه اختصاصی بنام دادگاه تعرفه راه آهن واگذار گردید.

### دادگاه اختصاصی تعرفه راه آهن (۴)

این دادگاه از سه نفر عضو دائمی تشکیل میگردد که با نظر قاضی القضاة و رئیس امور بازرگانی (۵) و وزیر راه (۶)، توسط حکومت، منصوب میگرددند. یکی از سه نفر فوق متخصص امور بازرگانی و دیگری مطلع و کارشناس امور راه آهن و سوسی که ریاست دادگاه را بعهده دارد ازین و کلاء یا حقوقدانان با تجربه برای مدت ۷ سال انتخاب میگرددند، آراء صادره این دادگاه از نظر امکان عدم تشخیص مقررات قانونی (۷) قابل شکایت استینافی در دادگاه استیناف می باشد. اولین وظیفه این دادگاه ایجاد سیستم طبقه بندی امور حمل و نقل بوسیله راه آهن بود که بدین منظور کالاها نیز طبقه بندی گردیدند. صلاحیت این دادگاه عبارت بودند از رسیدگی بدعاوی مربوط به بهاء بلیط، کرایه و مخارج و نیز امور راجع به مؤسسه های حمل و نقل و نوع خسارت به آنها، ولی صلاحیت دادگاه شامل اموریکه طرفین رسیدگی آن را بدادگاه احاله مینمودند نیز میگردد. از جمله صلاحیت دادگاه رسیدگی به اختلاف ناشی از اعطاء امتیازاتی بود که بحقوق دارنده امتیاز دیگر لطمه وارد میساخت.

ملی کردن مؤسسات تجارتنی موجب گردید که در تشکیلات دادگاههای اختصاصی حمل و نقل نیز تغییراتی بظهور پیوند و لذا قانون حمل و نقل ۱۹۴۷ (۸) دو نوع دادگاه پیش بینی نمود که عبارتند از:

### دادگاه داوری حمل و نقل (۹) و دادگاه حمل و نقل (۱۰)

علاوه از مقامات قضائی فوق الذکر مقامات نیمه قضائی دیگری وجود دارد که

- ۱ - The Railway and canal commission
- ۲ - Board of Trade
- ۳ - On a point of Law
- ۴ - The Railway Rate Tribunal
- ۵ - The President of Board of trade
- ۶ - Minister of Transport
- ۷ - On a point of Law
- ۸ - The Transport Act, 1947
- ۹ - The Transport Arbitration Tribunal
- ۱۰ - The Transport Tribunal

وظیفه آنها صدور پروانه برای تأسیس خطوط و یا اشتغال به شغل حمل و نقل و باربری و یا مسافربری است. از قبیل اداره صدور پروانه برای وسائط نقلیه عمومی (۱) بمنظور انجام وظیفه، تشخیص قابل استفاده بودن وسائط نقلیه و همچنین آماده بودن جاده‌ها برای حمل و نقل بار یا مسافر و صدور گواهی‌های مربوط به قابل استفاده بودن آنها، بعهده این اداره می‌باشد، و ممکن است اشخاص را از ادامه شغل حمل و نقل ممنوع و یا از دادن پروانه به آنها خودداری نماید، و چون تصمیم این اداره نیمه قضائی ممکن است بحقوق افراد لطمه وارد سازد لذا نظریه این اداره، در دادگاههای ماژیستریت، که خود نیمه قضائی هستند قابل شکایت می‌باشد. این گونه مقامات صلاحیت دار نیمه قضائی تابع نظر وزارت خائنه مربوط اند و از نظر اینکه تصمیمات نیمه قضائی آنها قابل شکایت در مراجع نیمه قضائی (ماژیستریت) هستند، مورد پسند عامه نیستند و موجبات نارضایتی مردم گردیده‌اند و معلوم نیست این وضع که مضر بحقوق مردم است بتواند دوام داشته باشد.

### دادگاههای اختصاصی صنعتی یا دادگاههای کارگری

در صنعت بطور کلی، و در کارخانه‌های صنعتی، آرامش و همکاری بین کارگر و کارفرما را باید اساس پیشرفت و سبب استفاده‌های مادی و بهبود وضع محصولات صنعتی دانست. تفاهم بین کارگران و یا کارفرمایان و مدیران کارخانه‌ها از اساسی‌ترین بنای صنعت محسوب می‌گردد بدین منظور گروه‌هایی بنام هیئت‌های سلی صنعتی (۲) تشکیل گردید و هر نوع صنعت یا حرفه دارای یک چنین هیئتی می‌باشد که شامل نمایندگان کارفرما و نمایندگان سندیکاها و اصناف (۳) تولید کننده آن صنعت می‌باشد، این هیئت در رفع اختلاف مسائل مربوطه از طریق سازش (۴) و کدخداسنی نقش مهمی بازی میکنند. در بعضی موارد هیئت‌های حل اختلاف از طریق داوری (۵) تأسیس گردیده‌اند. در مواردیکه این هیئت‌های حل اختلاف نتوانند از طریق سازش و یا از راه داوری و کدخداسنی اختلافات حاصله را برطرف نمایند دادگاههای اختصاصی کارگری (۶)، در صورت رضایت طرفین و مراجعه آنها بدادگاه، راجع به اختلافات موجوده اتخاذ تصمیم می‌نمایند.

اعضاء دادگاه از طرف وزیر کار (۷) منصوب می‌گردد که بعضی از آنها مستقل برخی نماینده کارفرما و عده‌ای هم نماینده کارگران می‌باشند و ریاست آن را یکی از بیطرف‌ها بعهده دارد که از طرف وزیر کار باین عنوان منصوب می‌گردد. چنانکه فوقاً اشاره شد مراجعه باین دادگاه بسته بموافقت طرفین بوده و الزامی نیست و تصمیمات متخذة قابلیت اجرائی ندارند مگر آنکه قانون صراحة اجرای آن را تجویز نموده باشد.

- ۱ - The Licensing Authority for Public Service Vehicles
- ۲ - National Joint Industrial Councils
- ۳ - Trade Unions
- ۴ - Conciliation
- ۵ - Arbitration
- ۶ - Industrial Court
- ۷ - Minister of labour

دستگاه جالب دیگری که نقش اساسی را در تعیین مزد کارگران بعهدہ دارد هیئت‌هایی هستند بنام هیئت تعیین مزد (۱) و در صورت تعیین حد اقل مزد توسط این هیئت‌ها، کارفرمایان ملزم بر رعایت نظر آنها بوده و در صورت تخلف از آن، یا پرداخت مزد کمتری، تحت تعقیب قرار گرفته و یا پرداخت غرامت محکوم میگردند.

### دادرسی یا میانجیگری اجباری (۲)

اختلافات بین کارگر و کارفرما ممکن است از راه موافقت حل گردد و منتهی به موافقتنامه‌ای گردد، مشروط بر آنکه قبلاً بدواری اجباری مراجعه شده باشد. الزام قانونی طرفین (کارگر و کارفرما) به مراجعه بدواری در سال ۱۹۰۹ مقرر گردید ولی پس از چند سال تجربه بالاخره موقوف‌الاجرا شد. معیناً فکر احاله اختلافات طرفین به داری اجباری هنوز طرفداران زیادی دارد و لذا شایسته است در این خصوص توجه بیشتری بشود.

در سالهای اول جنگ رکود محسوسی در فعالیت‌های صنعتی ایجاد گردید که علت واقعی آن را فقدان دستگاهی مناسب برای حل اختلافات بین کارگر و کارفرما تشخیص دادند. باین توضیح که چون در آن زمان دادگاهی که طرفین ملزم به مراجعه بآن باشند وجود نداشت لذا کارگران، با داشتن حق آزادی اعتصاب، عملاً دست از کار میکشیدند و چرخ صنعت را از این راه فلج میساختند و نتیجتاً کار صنعت بکساد میکشید، و بفرض آنکه طرفین متراضیاً حل اختلافات خود را به دادگاه واگذار می نمودند، عدم قابلیت اجرای حکم صادره کوشش طرفین را در اخذ نتیجه مطلوب عقیم میگذاشت. بنا بر مقررات و اصول قوانین معموله، قرارداد و یا موافقت دسته جمعی (۳)، را که عبارت از موافقت بین نمایندگان کارفرما و نمایندگان کارگران باشد (۴)، نمی‌توان بعنوان عقدی بین کارگران و کارفرمایان تلقی نمود؛ و در هر صورت اشخاص را نمی‌توان ملزم به رعایت مقررات موافقتنامه‌ای نمود که بدست دیگران و بین اشخاص ثالث تنظیم شده، زیرا این اشخاص خارج از دسته طرفین قرارداد و یا خارج از اصنافی بوده‌اند که در تنظیم شرایط قرارداد دسته جمعی توافق کرده‌اند. تنها قانون سوقتی صنعت پنبه بود (۵) که به طرفین (کارگر و کارفرما) حق میداد تا تقاضای اجرای قرارداد دسته جمعی را از وزیر مربوط بنمایند و وزیر مربوط میتواند کلیه کارفرمایان و کارگران متناسب به این صنعت را ملزم بر رعایت چنین قرارداد دسته جمعی بنماید (۶)؛ با این همه دستگاه قضائی که مرجع رسیدگی باین قبیل اختلافات باشد وجود نداشت تا با صدور حکم در مورد اختلاف آن را بموقع اجرا گذارد. این نقیصه با بروز جنگ جهانی دوم

۱ - Wage Council

۲ - Compulsory Arbitration

۳ - Collective Bargain or Collective Agreement

۴ - That is, an agreement or award between representatives of employers and of Workers

۵ - The cotton Manufacturing Industry (Tempoarry Provision) Act 1934

۶ - Collective Agreement



مرتفع گردید باین معنی که احتیاجات زسان جنگ موجب شد تا حل اختلافات ناشی از قرارداد دسته جمعی را بمقام قضائی واگذار نمایند؛ ولذا بمنظور رسیدگی قضائی در سال ۱۹۴۰ اقدام به تأسیس دادگاه اختصاصی داوری ملی نمودند (۱) که تصمیمات قضائی آن، با داشتن ضمانت اجرائی، طرفین قرارداد دسته جمعی را ملزم برعایت شرائط قراردادی نمود باین معنی که کلیه کارگران و کارفرمایان موضوع قرارداد دسته جمعی را ولو آنهائیکه در تنظیم آن دخالت نداشته‌اند، ملزم برعایت مقررات آن میگردد.

این دادگاه اختصاصی از نماینده کارگران و نماینده کارفرمایان و چند نفر منصوب از طرف وزیر کار تشکیل میگردد و صلاحیت و رسیدگی این دادگاه بشرح زیر تعیین گردیده بود.

۱ - بدو بایستی موضوع اختلاف بنظر وزیر کار برسد. در صورتیکه بنظر وزیر دستگاهی متشکل از کارگران و کارفرمایان قادر به حل اختلاف می‌بود، موضوع را بان دستگاه احاله می‌کرد، و در صورت فقدان چنین دستگاه و یا احتمال عدم امکان حل مشکل بطور سریع، وزیر کار می‌توانست موضوع اختلاف را به دادگاه اختصاصی داوری ارجاع نماید، لیکن در صورتیکه ظرف مدت ۲۱ روز موفقیتی در حل اختلافات حاصل نمی‌گردید، وزیر کار ملزم بود دعوی را برای رسیدگی بدادگاه اختصاصی فوق‌الذکر بفرستد. با این ترتیب تعطیل کار از راه اعتصاب (۲) غیر قانونی و غیر مجاز بود مگر در صورتیکه اختلاف را بنظر وزیر کار رسانیده و او موفق به ارجاع آن به دستگاه حل اختلاف مورد نظر و یا احاله آن بدادگاه در مدت ۲۱ روز نشده باشد که در واقع این پیچ و خم‌ها نیز عملاً آزادی اعتصاب را محدود و مقید نموده و میتوان گفت که اعتصاب غیر قانونی و غیر عملی اعلام گردیده بود.

۲ - وزیر کار می‌توانست کلیه اختلافات را بمنظور اخذ نظر مشورتی بدادگاه اختصاصی داوری ارسال دارد.

۳ - کارگران ملزم برعایت مقررات موافقتنامه دسته جمعی بوده و در صورت بروز اختلاف راجع به شرایط و مقررات قرارداد دسته جمعی ممکن بود موضوع به وزیر مراجعه و او رسیدگی موضوع را به دادگاه احاله نماید.

با این ترتیب دادگاه داوری ملی عملاً مبتنی و متکی بر قانون مجازات بود باین جهت در سال ۱۹۴۶ دادستان کل (۳) اعلام داشت که دولت نمی‌تواند مقررات مربوط به ممنوعیت اعتصاب را در مورد کارگران اجرا نماید و لوانکه اصناف و سندیکاهای مخالف با اعتصاب کارگران باشند. و چون افکار عمومی بخالف ممنوعیت اعتصاب بود و اصولاً اعتصاب از حقوق و آزادیهای بشری محسوب میگردد لذا این ممنوعیت در سال ۱۹۵۱ لغو و آزادی اعتصاب اعلام گردید

۱ - National Arbitration Tribunal

۲ - Strike

۳ - Attorney General

### کمیسیون های مالیاتی (۱)

سؤدیان مالیاتی که از برآورد و تعیین میزان مالیات نا راضی اند ، حق دارند به این کمیسیون ها دادخواست داده ، در دفاع از حق خود، در مقابل دولت ، و دستگاههای مالیاتی ، اقدام نمایند ، و حتی میتوانند از تصمیم کمیسیون ها تقاضای تجدید نظر به کمیسیون های بالاتری بنام کمیسیون های خاص ، (۲) تقدیم دارند ، و در هر صورت چون این کمیسیونها در واقع اتخاذ تصمیم قضائی مینمایند که نتیجتاً مؤثر در اموال مردم است لذا تصمیمات آنها قابل رسیدگی استینافی در دادگاه های بدایت بزرگ ( معادل دادگاههای شهرستان ) می باشد (۳) .

در بعضی موارد ممکن است تجدید نظر از رأی کمیسیون ها به کمیسیون حل اختلاف و یا هیئت های داوری ارجاع گردد (۴) - از رأی این کمیسیون حل اختلاف میتوان ، در دادگاههای استان ، تقاضای رسیدگی استینافی نمود .

### دادگاههای اختصاصی حقوق بازنشستگی ارتش (۵)

بازنشستگان ارتشی اعم از سربازان و افسران دریائی و هوائی و زمینی در صورت اعتراض به حقوق و سایر مزایای بازنشستگی خود ، باین دادگاهها رجوع مینمایند . این دادگاه از سه نفر تشکیل میگردد و استیناف آن به یکی از قضات دادگاههای بزرگ بدایت (شهرستان) ارجاع میشود .

۱ - Tax Commissioners

۲ - Special Commissioners

۳ - متأسفانه در ایران جز مراجع مالیاتی وزارت دارائی هیچ مرجع قضائی موجود نیست که افراد بتوانند از تصمیمات وزارت دارائی (که برخلاف تمام اصول قضائی و عدالت هم قاضی است و هم مدعی علیه - بعبارت دیگر قاضی ادعای خود است) بآن مرجع مراجعه نمایند - پیشنهاد ما آنست که قوانینی تهیه گردد تا بموجب آن به افراد حق داده شود که از تصمیمات کمیسیون های مالیاتی بدادگاههای شهرستان یا استان درخواست استیناف نمایند و اصولاً در مورد تمام وزارتخانه ها دادگاههای اختصاصی تأسیس گردد که مرجع تظلمات و شکایات مردم از متصدیان و مسئولین در مورد انجام وظائف آنان قرار گیرد و حل اختلافات بین مراجعین وزارتخانه ها و متصدیان مربوطه ، در مورد تفسیر قوانین و خلاف قانون بودن آئین نامه و بخش نامه ها ، بآن دادگاهها واگذار گردد ؛ باین شرط که آراء این دادگاهها در محاکم عمومی دادگستری (دادگاههای شهرستان یا استان) قابل رسیدگی استینافی باشد .

۴ - The Board of Referees

۵ - The War Pension



### دادگاههای اختصاصی تعدیل مال الاجاره‌ها (۱)

این دادگاه‌ها مخصوص دعاوی منازل و اطاقهای استجاری مفروش و دارای اثاثیه است، که بموجب قانون تعدیل اجاره بهاء منازل مفروش (۲) تأسیس یافته است. بموجب قانون مالک و مستأجر (۳) و قانون محدودیت اجاره بها (۴) بدادگاه حق داده شده بود که میزانی برای اجاره‌بهای مستغلات مشابه تعیین نماید و بالاخره قانون تعدیل و تعمیرات خانه‌ها (۵)، با اجازه ازدیاد اجاره بهاء، در بهبود وضع ساختمان‌ها و تعمیرات آنها مؤثر واقع گردید، شک نیست که پژوهش از آراء صادره این دادگاهها در دادگاههای بزرگ بدایت (شهرستان) رسیدگی میشود.

### مقررات تأمین اجتماعی (۶)

در اجتماع بدون کنترل کشاورزی اختلاف سطح بین ارباب و رعیت و دارا و ندار خواه نا خواه زیاد است. در حالیکه صنعت ایجاد کار برای مردم میکند و قوه خرید طبقه پائین تر اجتماع را زیاد مینماید، و نتیجه خود بخود اختلاف بین طبقات را کم نموده، اجتماع هم بسته کم و بیش یکنواختی بوجود می آورد که در آن اختلاف بین افراد و طبقات کمتر محسوس میباشد، و اگر کنترل دولت نیز دقیقاً موجود باشد، با وضع قوانینی که از ضعفای حمایت می کند، اجتماع کم و بیش مرفه صنعتی بوجود می آید که در آن پول بخاطر زندگی است نه زندگی بخاطر پول؛ دولت یا حکومت یا ملت متمول و متمکن شده و افراد از تمام مزایای اجتماعی و تأسیسات موجوده، که توسط دولت و یا توسط سرمایه‌های خصوصی کنترل شده تأسیس گردیده، استفاده می‌برند. با ایجاد و مقررات بیمه‌های اجتماعی از آفات و صدماتی، که غالباً گریبان گیر ضعفای مردم طبقه پائین است، جلوگیری می‌شود.

با حمایت فرد و خانواده که پراچ‌ترین عوامل ترقی اجتماع است حکومتی مرفه و سر بلند می‌سازد. با توجه خاصی به خانواده‌ها و تعیین مقرری برای کلیه افرادی که بیمارند، و یا در اثر محیط نامساعد اجتماعی از دیگران عقب مانده‌اند، و یا آنکه بعلت نبودن کار قدرت اداره خود را ندارند، محیطی مرفه و سالم و مترقی ایجاد میکنند. البته چنین دولتی باید حتماً این منابع ثروت را از راه صنعت بدست آورد. بخصوص در عصر کنونی که بهاء مواد خام و کشاورزی با توجه به رنج فراوانی که برای بدست آوردن آن باید تحمل نمود فوق العاده ناچیز است و فقط محصولات صنعتی است، که توسط ماشین، در فرصت کوتاه، مواد خام را که، دسترنج ملل کشاورزی است، به محصولات صنعتی تبدیل نموده ارزش کشورهای کشاورزی را

۱ - Rent Tribunal

۲ - The Furnished Houses (Rent Control) Act. 1946

۳ - Landlord and Tenant (Rent Control) Act. 1949

۴ - The Rent Restriction Acts 1939

۵ - The Housing Repairs and Rents Act. 1954

۶ - Social Security

بسوی کشور صنعتی سرازیر میسازد؛ نتیجه آنکه هرچقدر کشورهای صنعتی پیشرفت کنند به نسبت های مضاعف کشورهای کشاورزی را بسوی عقب میرانند.

درچنین کشور صنعتی است که مقرری خانوادگی برای خانواده ها، اعم از ناتوان و توانگر، وضع میگردد و بالزام افراد به استفاده از بیمه های اجباری، کمپانی های بیمه که فعلاً اغلب دولتی و یا دست نشانده دولت اند، ثروت های هنگفتی بچنگ آورده و دولت که مستقیماً از وجود آنها متنفع میگردد، و با داشتن سهام در کمپانی های بیمه منبع ثروت بزرگی از پولهای داخلی و خارجی برای خود ایجاد نموده، خزانه را پر کرده و قادر خواهد بود به غالب افراد کشور مقرری هائی بعناوین مختلف بپردازد و با پرداخت خسارات وارده به بعضی افراد و یا دسته ها، از طریق بیمه، از سقوط مردم و مؤسسات تجاری و صنعتی جلوگیری کند نتیجه اجتماعی سرفه و مستغنی بوجود آورد. این کمپانی های بیمه امروزه بحدود سرزمین مادری خود اکتفا نکرده، از کشورهای ضعیف تری نیز، که فاقد این مقرراتند، استفاده های کلان و سرشار می برند و با بتمول ساختن اجتماع و مردم کشور خود ساکنان کشورهای دیگر را هر روز ضعیف تر و محتاج تر میسازند.

در انگلستان نیز این مقررات اجتماعی وجود دارد. قانون مقرری خانوادگی<sup>(۱)</sup> انواع و اقسام وسائل و وجوه نقد در اختیار خانواده های موضوع قانون میگذارد. از جمله بپرداخت وجه نقد به اشخاص عائله مند، و پرداخت دارو و غذا به زنان باردار، و نیز محافظت مجانی آنها هنگام بارداری، و تأسیس بیمارستان ها، که کلاً مجانی و همه مجهز بوسائل مورد نیازند، مردم را سرفه و زنده گی آنها را تأمین میکنند بدون آنکه فرد و خانواده بهمی از آینده خود و یا ترسی از بیماری و فلاکت داشته باشد. در این صورت است که افراد اجتماع با خیالی آسوده مشغول زندگی و انجام وظائف روزانه خود میباشند و برای تأمین زندگی و ادامه حیات خانوادگی احتیاجی بدروغ گفتن، تملق کشیدن از رئیس و ارباب و همکار و بیم از رقیب، و یا خدای نخواستہ مستخدمین ادارات احتیاجی به پول چای گرفتن و قبول انعام ندارند. رشوه، جز در بعضی موارد سهم و قابل ارزش، در امور کوچک کمتر وجود دارد و اگر اتفاقاً کشف شود، راسی و مرتشی، بدست دستگاه عدالت، از هستی ساقط می گردند و به پست ترین درجات اجتماعی سقوط می کنند<sup>(۲)</sup>.

۱ - The Family Allowances Act. 1946

۲ - بنظر ما در کشور ایران وضع مجازات تقلیدی از کشورهای سرفه و اعمال آن، در مورد ساکنین مملکت ما، که فاقد وسائل است که کشورهای سرفه در اختیار افراد کشور خود می گذارند، برخلاف اصول قضائی و سوازین عدل و انصاف است - زیرا انتظاری را که باید از افراد کشورهای سرفه، با داشتن (وسائل زندگی و تأمین های اجتماعی که دولت در اختیار آنها گذارده، داشت از افراد کشور هائی که فاقد این وسائل اند نمی توان داشت؛ و به نسبتی که افراد از وسائل تأمین اجتماع و تأسیسات و تشکیلات

در این کشور همه هفته به بیکاران و جوه نقد برای اسرار معاش داده میشود - به پیر زنان و پیر مردان اعم از متمول و فقیر ، مقرری هفتگی پرداخت میشود - بیماران و زبان دیدگان جنگ مقرری مکفی برای زندگی خود دریافت میدارند ؛ بطوریکه  $\frac{1}{3}$  مردم کشور انگلستان یعنی در حدود  $\frac{2}{5}$  میلیون نفر بدین وسیله از خزانه دولت مجاناً زندگی می کنند - اینکه دولت انگلستان چگونه این مخارج را میپردازد و از کدام منبع داخلی و خارجی بدست می آورد مسئله ایست قابل تأمل و محتاج به مطالعه .

قانون بیمه خسارات ناشی از کار صنعتی (۱) دستگاه دیگری است بمنظور متجانس وهم سنگ نمودن اجتماع و سرفه ساختن آن همچنین است قانون کمک با افراد (۲) .

معمولاً این مساعدت ها از طریق پرداخت وجه نقد با مقایسه جدول های مخصوصی و با توجه به مورد بخصوص ، بعمل می آید و چون ممکن است در میزان این مقرری ها اختلافاتی بین دارنده حق یعنی ستقاضی و دولت یا مؤسسه مربوطه پیش آید و حل این اختلافات بدون وجود دادگاه های صالحه و متخصصین امکان پذیر نیست ، لذا در هر قسمت از این قبیل امور اقدام بتأسیس دادگاه های اختصاص شده است . در مورد قانون سرویس ملی بهداشت و سلامتی (۳) شکایت ارباب رجوع از نظر کیفیت امر ، یعنی رفتار اطباء و طریقه معالجه آنهاست و الا از نقطه نظر کمیت مسئله مطرح نیست زیرا آنچه در این خصوص با کمیت سروکار دارد مسئله داروست که آنها هم بنحو خوبی حل شده است ؛ زیرا مریض با درد دست داشتن نسخه طبیب به داروخانه مراجعه و با پرداخت یک تومان برای هر نسخه ، کلیه دارو های موجود در نسخه را دریافت میدارد ؛ بدون آنکه میزان و قیمت دارو مورد توجه باشد . با این کیفیت دارویی که شاید پنجهزار ریال ارزش دارد با پرداخت یک تومان بدست مریض میرسد - و این برای همه مردم است - مریضخانه ها مجهز و رایگان و مهمترین عمل

منظم محروم اند ، بهمان نسبت نیز باید از مجازات معاف گردند . بطور کلی باید گفت میزان مجازات های موجود در قوانین کشور های سرفه ، که مرجع تقلید قوانین جزائی ایران است ، ضمانت اجراء اعمال کسانی است که در همان محیط ها زندگی کرده ، تربیت شده ، و از مواهب موجوده و تأسیسات اجتماعی آن برخوردارند ؛ نه برای کشورهای فاقد حتی اولین وسائل زندگی . ما توجه قضات عالی قدر و واقع بین را در تعیین مجازات مجرمین به این نکته اساسی جلب می کنیم ؟ ضمناً تذکر این نکته را نیز لازم میدانیم که در صورت موافقت در برنامه های اصلاحی عدیده که در دست اقدام است ، و نیز در صورت صنعتی شدن کشور ، امید های افراد جامعه عمل پوشیده و بسیاری از مشکلات ما خود بخود حل خواهد شد .

۱ - National Insurance (Industrial Injuries) Act. 1946

۲ - The National Assistance Act. 1948

۳ - The National Health Service Act. 1948

جراحی برای همه مجاناً انجام میشود بهمین جهت تمام افراد حتی اتلی و چرچیل و مک میلان نیز در این بیمارستانها معالجه شدهاند نه بیمارستان خصوصی زیرا تقریباً همه افراد انگلیسی از فقیر و توانگر باین بیمارستانها مراجعه میکنند و اطباء و بیمارستانهای خصوصی کمتر کار و شغری دارند و مشتریان آنها متمولین کشورهای عقب مانده است که دکتر و وسیله مناسب در کشور خودشان ندارند؛ و بدین ترتیب اطباء انگلیسی حتی در کشور خودشان از پول و ارز کشورهای عقب مانده استفاده سرشار می‌برند و با موافقت لابی بین خودشان و مرضی طوری ترتیب می‌دهند که از این درآمد مالیات بسیار ناچیزی بردارند - زیرا مالیات در انگلستان بسیار زیاد است بطوریکه از ۱۰۰ پوند درآمد اولی در حدود ۵۰ پوند متعلق بدولت است و از ۱۰۰ پوند دومی در حدود ۹۵ پوند بایستی بابت مالیات پرداخت گردد.

دادگاههای اختصاصی مربوط به بیمه ملی (۱) مقررات متحدی در مورد استفاده کنندگان از بیمه های بیماری (۲) و بیمه بیکاری (۳) و بیمه زایمان (۴) و بیمه بیوه زن ها (۵) و مسمری محافظت (۶) و حقوق بازنشستگی (۷) و بیمه های عمر (۸) تنظیم نموده اند و رسیدگی به شکایات برحسب طریقه دادرسی شکایات بیمه بیکاری انجام میگردد - آراء این دادگاههای اختصاصی قابل رسیدگی پژوهشی در دادگاه بزرگ بدایت (شهرستان) میباشد.

### قانون بیمه اجتماعی سوانح ناشی از کار (۹)

این قانون در واقع بجای مقررات سابق در مورد جبران خسارات ناشی از کار (۱۰) وضع گردیده است - رسیدگی به اختلافات ناشی از حوادث کار مستقیماً به دادگاه کانتی رجوع میگردد، و رأی آن قابل رسیدگی استینافی در دادگاه استیناف بود و رسیدگی بدعاوی و حوادث ناشی از امور پزشکی با حضور کارشناس طبی صورت میگرفت لیکن قانون جدید رسیدگی با امور پزشکی را از حیطه دادگاههای عمومی خارج و بدادگاههای اختصاصی

- ۱ - The National Insurance Act.
- ۲ - Sickness
- ۳ - Unemployment
- ۴ - Maternity
- ۵ - Widowhood
- ۶ - Guardian's allowances
- ۷ - Retirement pension
- ۸ - Death grants
- ۹ - The National Insurance (Industrial Injury) Act.
- ۱۰ - Workmen's Compensation

مربوطه واگذار نموده است (۱) و رأی آنها قابل شکایت استینافی در دادگاه اختصاصی استینافی می باشد.

کمیسیون بیمه ملی (۲) و همچنین کمیسیون رسیدگی به حوادث ناشی از کار (۳) مرکب از وکلای مدافع (۴) است که لااقل ۱ سال سابقه اشتغال بوکالت داشته باشند. منظور از قوانین فوق آن است که رسیدگی باین قبیل امور را بدست حقوق دانان و وکلای مدافع بسپارند که مقام قضات دادگاههای شهرستان داشته باشند.

قانون کمک بافرااد بی بضاعت (۵) بجای قانون فقرا وضع گردیده و دارای مقرراتی در مورد کمک باشخاص بی بضاعت می باشد، و همچنین در مورد کسانی که از مقررات بیمه ملی استفاده نمی کنند قابل اجراء است - بموجب این قانون حکومت های محلی و ناحیه ای ملزم اند وسائل سکونت اشخاص مسن و ناقص الاعضاء را فراهم نمایند. این وظیفه رایبخش کمک عمومی هر ناحیه بعهده دارد (۶) - تصمیم متصدیان این بخش، درباره متقاضیان، به این متقاضیان حق میدهد که برای احقاق حق خود به دادگاه اختصاصی استینافی محلی مراجعه نمایند (۷)

در خصوص سرویس بهداشتی، دستگاهی که به شکایات رسیدگی می کند، عبارت است از هیئت اجرائیه (۸) موجود در هر حوزه ایالتی - این هیئت از نماینده اطباء محل، نماینده دندان پزشکان و نماینده داروفروشان تشکیل میگردد - هرگاه نظریه این هیئت بر مجازاتی غیر از تعلیق ابد از شغل باشد، هم شاکمی و هم سشتکی عنه حق تقاضای تجدید نظر را از وزیر مربوطه دارند، که در این صورت رأی وزیر قطعی است، و اما در صورتیکه رأی هیئت اجرائی مبنی بر تعلیق سشتکی عنه (طیبیب، جراح، دندان پزشک و یا داروفروش) باشد، موضوع بدادگاه اختصاصی سرویس بهداشت ملی (۹) احاله میشود، که هیئت اجرائی نماینده از طرف خود بان دادگاه اعزام می دارد.

ریاست این دادگاه اختصاصی بعهده یک نفروکیل مدافع و یا مشاور قضائی است که لااقل ۱ سال سابقه عملی شغل وکالت را دارا می باشد - اعضاء دیگر دادگاه عبارتند

۱ - متأسفانه در ایران تا کنون رسیدگی به جرائم پزشکی معمول نگردیده و با آنکه قانون مخصوص و ناقصی بنام قانون نظام پزشکی موجود است ولی بععلل ناگفتنی جامه عمل نپوشیده - متأسفانه لایحه قانون پزشکی، که اخیراً سروصدائی برپا کرد و ارکان منافع پزشکان را بلرزه درآورد، بالاخره در مقابل سرسختیهای مخصوص کشور ما، مدفون گردید.

- ۲ - The National Insurance Commissioner
- ۳ - Industrial Injuries Commissioner
- ۴ - Barristers
- ۵ - The National Assistance Act.
- ۶ - National Assistance Board
- ۷ - Local Appeal Tribunal
- ۸ - Executive councils
- ۹ - National Health Service Tribunal

از دو نفر منصوب از طرف وزارت بهداری - یک شخص خارجی بیطرف و یک نفر از اشخاصیکه دارای همان شغلی است که مشتکی عنه بان اشتغال دارد - هر گاه رای دادگاه برفع مشتکی عنه (طبيب، دندان پزشک یا دارو فروشی) باشد چنین رأی قطعی تلقی میگردد و هر گاه رای دادگاه بر محکومیت مشتکی عنه صادر گردد مشتکی عنه حق دارد از رای صادره تقاضای تجدیدنظر به وزیر مربوطه مینمایند - وزیر میتواند حکم دادگاه اختصاصی را برفع مشتکی عنه بشکند لیکن نمی تواند رای صادره را به ضرر محکوم تأیید نماید.

### دادگاههای اختصاصی کشاورزی (۱)

جنگ اهمیت کشاورزی را آشکار ساخت، و لذا برای ازدیاد محصول مقرراتی وضع گردید، از جمله حمایت زارع و مستأجر کشاورزی در مقابل مالک، و تضمین بازار و مصرف فروش محصولات کشاورزی توسط دولت؛ و نیز تضمین بهاء تمام شده این محصولات.

تجربیات حاصله از شرایط زمان بعد از جنگ موجب گردید که دولت کمتر در امور کشاورزان دخالت نماید. در سال ۱۹۴۷، کمیته اجرائی کشاورزی ایالتی (۲) تأسیس گردید که وظیفه اش مساعدت به کشاورزان، از طریق تهیه وسائل کشاورزی، تهیه بذر و کود و آب و تسهیلات دیگر بود؛ از طرفی دستورات و اوامری به کشاورزان داده میشد که آنها را مکلف به انجام این اوامر میکرد در صورتیکه کشاورز از این تصمیمات شکایت داشت میتواند به کمیته اجرائی کشاورزان مراجعه نماید و رأی این کمیته قابل استیناف بود. این کمیته در اثر انتقادات شدید و نارضایتی ناشی از نظم و نسق کشاورزان الغاء گردید؛ زیرا کمیته ناچار بود کشاورزان بی تفاوت و بی علاقه و تنبل را، که براهنمائی کمیته واقعی نمی گذارند، و آنها را بمرحله عمل در نمی آورند، بدادگاه بکشاند؛ و همچنین مالکان طاغی و یاغی و گردن کشی رانیز تحت تعقیب قرار دهد؛ این بود که با از بین رفتن کمیته فوق دادگاه اختصاصی زمینهای زراعتی (۳) تأسیس گردید - این دادگاههای اختصاصی تحت ریاست یک نفر وکیل مدافع و یا مشاور قضائی که لااقل ۷ سال بشغل و کالت اشتغال داشته تشکیل میگردد که رئیس آن با نظر قاضی القضاة (۴) انتخاب میگردد و با دو نفر نمایندگان کشاورزان و مالکین اعضاء دادگاه مجموعاً سه نفر خواهند بود - استیناف از رأی این دادگاه به دادگاههای بزرگ هدایت (شهرستان) داده میشود.

### دادگاه اختصاصی تعیین بهاء اراضی خریداری شده (۵)

این دادگاهها بمنظور حل اختلاف بین صاحبان اراضی و دستگاههای دولتی، در خصوص تعیین بهاء اراضی است که اجباراً بدولت منتقل میگردد. رئیس این دادگاه

- ۱ - The Agricultural Land Tribunals
- ۲ - County Agricultural executive committee
- ۳ - Agricultural Land Tribunals
- ۴ - Lord Chancellor
- ۵ - The Land Tribunal



از بین اشخاصیکه شاغل مقام های عالی قضائی بوده و یا از بین وکلاء مدافعی که لااقل ۷ سال سابقه شغل وکالت داشته اند انتخاب میگردد - اعضاء دیگر دادگاه نیز از بین وکلاء مدافع و یا مشاورین قضائی ، با سابقه ۷ سال عمل وکالت ، توسط قاضی القضاة انتخاب میشوند - آراء این دادگاهها قابل رسیدگی استینافی در دادگاههای استینافی عمومی می باشد .

### دادگاههای انتظامی (۲)

یادادگاههای اختصاصی داخلی ، که مخصوص گروه مخصوصی و دسته یا صنف معینی می باشند . طبیعت این گروه های صنفی اقتضا دارد که مستقل بوده و رسیدگی بتخلفات اعضاء آنها توسط هیئت هائی از همان گروه یا صنف یا مؤسسه بعمل آید - اهم این قبیل دادگاههای انتظامی عبارتند از دادگاه انتظامی وکلاء (۳) که می تواند وکلاء را ، در خصوص تخلف از شئون و مقتضیات شغلی ، مجازات نموده و برای مدتی محروم از ادامه شغل و یا اصولاً معلق نماید - رأی دادگاه انتظامی وکلاء قابل رسیدگی استینافی در دادگاههای بزرگ بدایت (شهرستان) می باشد .

### دادگاههای انتظامی مهندسين و طراحان ساختمانی

که اعضاء آن توسط وزیر کار (۴) و وزیر ساختمانی و ساکن (۵) و حکومت محلی (۶) و رئیس کانون وکلاء مشاور (۷) تعیین میگردد .

### لایحه پزشکی ۱۹۵۰ (۸)

به هیئت عمومی پزشکی (۹) اجازه می داد که نام پزشک متخلف را از دفتر ثبت نام پزشکان (۱۰) حذف نماید و حق استیناف به پزشک محکوم داده نشده بود ولی بموجب سیستمی که بعداً پیشنهاد گردید حق تقدیم تقاضای استینافی به کمیته قضائی هیئت

۲ - Domestic Tribunal

۳ - The Disciplinary Committee of the Bar

۴ - Minister of Work (Labour)

۵ - Minister of Housing

۶ - Local government

۷ - Law Society

۸ - The Medical Act. 1950

۹ - General Medical Council

۱۰ - Medical Register

مشاوران مخصوص (۱) پیش بینی گردید و سپس سیستمی متشابه آن در مورد دندان پزشکان تنظیم یافت.

دادگاههای صنفی دیگری نظیر دادگاههای انتظامی پرستاران (۲) ، داروسازان (۳) و بیطاران (۴) با حق استیناف بدادگاههای بزرگ بدایت وجود دارد.



- 
- ۱- Judicial committee of the Privy council
  - ۲- Nurses
  - ۳- Pharmacists
  - ۴- Veterinary Surgeons